

چین و تحول در ژئواکونومی آسیای مرکزی

محسن شریعتی نیا، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

باشگاه خبرنگاران جوان

چین یکی از کشورهایی است که در سال‌های اخیر در اقتصاد جهانی نقشی روزافزون یافته است. یکی از جلوه‌های این نقش آفرینی در ژئواکونومی محیط پیرامونی ایران است. در این محیط، نقش چین در ژئواکونومی آسیای مرکزی از سایر مناطق پیرامونی ایران پررنگ تر و محسوس تر است. آنجا که چهره غالب قدرت چین در حوزه اقتصاد و تجارت است، لذا در این حوزه‌ها نقش آفرینی این کشور بیشتر محسوس است. در سال‌های اخیر، چین روند تجارت و سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی را متحول کرده است. در این منطقه روسیه همواره به عنوان مهم‌ترین شریک تجاری کشورهای آسیای مرکزی تلقی می‌گردید، اما در سال‌های اخیر، چین این جایگاه را از آن خود ساخته است.

حجم تجارت چین با کشورهای آسیای مرکزی از ۵۲۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ به ۲۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ رسیده است که روند رشد بسیار سریعی را نشان می‌دهد. چین در وضعیت کنونی مهم‌ترین شریک تجاری کشورهای آسیای مرکزی است و جای روسیه را در تجارت با این کشورها گرفته است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰ حجم تجارت چین و قزاقستان به ۲۰ میلیارد دلار رسید در حالیکه حجم تجارت این کشور با روسیه در سال یاد شده ۱۳ میلیارد دلار بوده است. افزون بر این چین و قزاقستان بر مبنای برنامه‌های دو دولت تلاش دارند تا حجم تجارت دو جانبه را تا سال ۲۰۱۵ به ۴۰ میلیارد دلار افزایش دهند.

در حوزه سرمایه‌گذاری نیز چین در وضعیت کنونی به مهم‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در این منطقه تبدیل شده است. متاثر از رشد سریع اقتصادی چین، انباشت سرمایه وسیعی در این کشور حاصل شده و آن را به یکی از مهم‌ترین کشورهای سرمایه‌گذار در اقتصاد جهانی تبدیل کرده است. یکی از مناطقی که به وضوح نقش متحول کننده سرمایه‌گذاری خارجی چین در آن قابل مشاهده است، آسیای مرکزی است. همان گونه که اشاره شد، چین مهم‌ترین سرمایه‌گذار در بخش انرژی این منطقه است و وام‌های کلانی نیز در اختیار دولت‌های این منطقه قرار داده است. با توجه به داشتن جایگاه ویژه قزاقستان در آسیای مرکزی و ظرفیت‌های این کشور، مهم‌ترین مقصد سرمایه‌های چینی

نیز این کشور بوده است. این سرمایه‌گذاری‌ها تا سال‌های اخیر معطوف و منحصر به بخش نفت و گاز بود، اما اخیراً چینی‌ها سرمایه‌گذاری‌ها و اعتبارات خود را در سایر حوزه‌های اقتصادی این کشور نیز به کار گرفته‌اند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۱ وام ۱/۷ میلیارد دلاری به صندوق رفاه ملی قزاقستان و وام ۵ میلیارد دلاری به مجتمع پتروشیمی این کشور تخصیص دادند. افزون بر این چین وامی ۵ میلیارد دلاری در اختیار بانک توسعه قزاقستان قرار داده است تا از طریق آن فرایند متنوع‌سازی اقتصاد این کشور و کاهش اتکای آن به نفت تسهیل شود. در تاجیکستان نیز بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۰ حدود ۸۲ هزار کارگر چینی در پروژه‌های مختلفی که این کشور در تاجیکستان سرمایه‌گذاری کرده، مشغول به کار هستند.

همچنین چین در سطح کلان‌تر در سال ۲۰۰۹ به صندوق توسعه سازمان همکاری شانگهای خط اعتباری ۱۰ میلیارد دلاری اختصاص داد. در واقع در این سازمان چین نقش اصلی را در توسعه کارکردهای اقتصادی این نهاد ایفا می‌کند و نیز پیشنهاد ایجاد موافقتنامه تجارت آزاد میان اعضای این نهاد را ارائه کرده است.

به روشنی می‌توان دریافت که در پیامد حضور و نفوذ روزافزون چین، ژئواکونومی آسیای مرکزی متحول شده است به گونه‌ای که برای نخستین بار در قرون اخیر نه روسیه و نه غرب، بلکه بازیگری جدید به مهم‌ترین نقش‌آفرین در تعاملات اقتصادی این منطقه تبدیل شده است. نکته حائز اهمیت این است که این بازیگر از برخی ویژگی‌ها برخوردار است که پیامدهای بالفعل و بالقوه حضور و نفوذ آن را پراهمیت و متفاوت می‌سازد.

اول آن که، چین با توجه به حجم اقتصاد این کشور و سرعت رشد آن، اشتهایی سیری‌ناپذیر در واردات مواد خام دارد. از دیگر سو، مهم‌ترین مزیت اقتصادی آسیای مرکزی در ذخایر مواد خام این منطقه به ویژه نفت و گاز است. به همین دلیل اقتصادهای طرفین به نوعی مکمل یکدیگر هستند. این در حالی است که چین وضعیتی در مورد مناسبات اقتصادی این کشورها با روسیه وجود ندارد. احداث خطوط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی به چین مهم‌ترین نماد این همپوشی است.

دوم آن که، چین برخوردار از سرمایه و فناوری است و از این رو توانسته به بازیگری مسلط در سرمایه‌گذاری در منطقه و انتقال فناوری تبدیل شود. شرکت‌های چینی به طور گسترده در پروژه‌های مختلف زیرساختی و فناوری در این کشورها به فعالیت مشغول هستند.

سوم آن که، چین اولین صادرکننده و دومین واردکننده بزرگ جهان است. به همین دلیل به سهولت و سرعت رقبا را در بازار آسیای مرکزی کنار زده و به مهم‌ترین شریک تجاری کشورهای منطقه تبدیل شده است. از دیگر سو، بازاری بسیار گسترده برای اقتصادهای این کشورها فراهم آورده است، بازاری که نه روسیه و نه غرب نمی‌توانند در اختیار این کشورها قرار دهند. از دیگر سو این بازیگر تازه وارد، منافع سنتی کشورهای چینی که به طور تاریخی در ژئواکونومی این منطقه نقش آفرین بوده اند را با تهدیدات جدی مواجه ساخته است.